الهی وَأَنفُسِكُمْ و در نفسهای خود با تباع شهوات و ترک ریاضت و ملازمت اسباب دنیوی فراغت از نظر در امور اخروی یا بر ذهت
اعمال و اعتماد بران وَلَتَسْمَعُنَّ و هر آینه خواهید شنید مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ از آنان که کتاب بایشان عطا کرده اند مِن قَبْلِكُمْ پیش از شما
یعنی یهود و نصاری وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا و دیگر بشنوید از مشرکان أَذًى كَثِيرًا رنج و ناخوشی فراوان یعنی سخنانی که موجب رنجش خاطر باشد یهود
بی ادب میگویند ان الله فقیر و عزیر ابن الله ترسایان طریق این جرئت می پویند که ان الله ثالث ثلثة و المسیح ابن الله از مشرکان این مهملات
باسماع شما میرسد که الملائکة بنات الله و هؤلاء شفعاؤنا عند الله و به نسبت پیغمبر نیز هر یک از این طوایف سخنان ناشایست بر زبان
میرانند و شما را نیز که مؤمنانید بانواع سب و شماتت و ملامت میرنجانید ندا این همه گوش میباید کرد و جام زهر مالامال از دست ایشان
سکیده بقبال نوش میباید فرمود زیرا که مدعی محبت ما را ازین بلاها چاره نیست بیت هر که خواهد تا شراب وصل حق نوشد مدام : شربت زهر بلا
بجان باید چشید : و انکه خواهد تا سلامی آیدش از پیش دوست : از زبان دشمنان صد ناسزا باید شنید بعضی بر آنند که درین آیه اشارتی بانست
که میان صدیق و فنحاص واقع شده و در معالم آورده که مراد کعب بن الاشرفست که یهودی ساحر و شاعر بود و در اشعار خود کفار را بر قتال مسلمانان تحریض
نمودی و در اکثر قصاید او مذمت مسلمانان و هجو زنان ایشان بودی یهود و مشرک و منافق مدینه آن شعرها را معتبر داشتندی و گفته با نشاران شادی کردند
و مصطفی صلعم با یاران او مبساعت و ستیزه کاری چاره ندیدی آفریدگار عالم نزول این آیه بر سید اولاد آدم صحابه کرام را بصبر فرمود
نزول از اسامت نقل میکند که حضرت رسالت صلعم بر درازگوشی سوار شده بعیادت سعد بن عباده میرفت و مرا از روی تشریف ردیف خود
بر گردانیده بود جمعی از مؤمنان و منافقان با ابن ابی نشسته بودند و هنوز عبدالله بظاهر ایمان نیاورده بود و چون حضرت پیغمبر صلعم بمجلس ایشان رسید
آغاز دعوت فرموده قرآن بر ایشان خواندن گرفت ابن ابی از گرد سم مرکب آنحضرت سر آستین بر بینی نهاد و گفت ای محمد مجلس ما را
مشوش مساز و سروران این ملا و لست بر ما و ایشان و پریشان مکن و بدین سخنان ما را میازار و دعوت مخوان تا متابعان کیش خویش را
بنشین تا هر که با فسون و افسانه تو فریب یابد بخانه تو آمده دین محدث ترا آورده قبول کند شیع انبیا ازین سخن تا فتنه گشته روی
جمع بگردانید و ابن ابی حاضران مجلس را گفت که گرد مرکب این مرد چراغ دماغ مرا تیره کرد عبدالله رواحه در جواب او سخنی سخت که سبب ملال و موجب
انفعال او بود و حضرت رسول صلعم از جفای آن بیوفا تنگدل بمنزل سعد در آمد حادثه که افتاده بود بعد از عیادت بطریق حکایت باز گفت
سعد طریق اعتذار سلوک داشته گفت یا رسول الله این بیچاره را معذور دار که اهل مدینه قبل از طلوع آفتاب دولت شما از ...
اتفاق کرده بودند که او را باستحقاق بر تخت ملک نشانند و افسر سلطنت بر فرقش نهاده کمر خدمت و اطاعت بر میان بندند
عنان تصرف این دیار بقبضه اختیار شما باز داد و باشراقات ظهور کوکب رسالت کوکب امید آن غافل بحاصل از اوج اقبال
افتاد تا سفاهت از آن جهت است حق سبحانه این آیه فرستاده مؤمنان را بشکیبایی فرمود که قال وَإِن تَصْبِرُوا و اگر صبر کنید
و فادار بر آزار این گروه جفا کار وَتَتَّقُوا و بپرهیزید از مکافات ایشان و انتقام حقیقی گذارید یا از نافرمانی خدا و مخالفت رسول
یا از تصدیق یهود و نصاری در اراجیف و اکاذیب که میگویند پرهیز کنید فَإِنَّ ذَلِكَ پس بدرستی که این صبر و اتقا مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
از استواری کارهاست و بدرستی نشانهای آن و بقول عطا از حقایق ایمانست ای عزیز عزم در اصل ثابت رای است بر

چیزی

چیزی و اینجا عزم الامور معزومات امورست یعنی کارهای که عزم بران جزم میباید کرد یا امورست که حق سبحانه بران عزم کرده یعنی بدان
فرموده و در کتاب از مبالغه نموده ای عزیز بیقین باید دانست که بی عزم درست کاری از پیش نرود و بی عزیمت صحیح رونده به منزل مراد نرسد
و عزم درست آنرا گویند که از شوائب وهن و وهم مصفی باشد و انقیاد امری که مطلوبست برخود لازم و محتوم شناسد و گفته اند بیت بود
عزم ترا قوت آن صولت است : که اگر جزم کند دست فلک بر تابد : و بعد از فرمودن پیغمبر و صحابه بصبر و تحمل بر ایذا یهود و بیان آن که
کرد آن جفاکاران نه از جفا حال سید وفاداران است پریشان میکردند و حقد و حسد میورزیدند زیرا که حضرت مصطفی صلعم بعث
میدانستند و از صحیفه تورات آیات مناقب و محامد او میخواندند بلکه برای تصدیق او و ایمان بدو از ایشان عهد گرفته و با ایشان پیمان بسته
پس آن عهد و میثاق را بیاد ایشان میدهد و بیان وحی و تشنیع انوار امر و نهی میگوید وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ و یاد کن ای حبیب من آنرا که فرا گرفت
خدای مِيثَاقَ الَّذِينَ عهد و پیمان آنان که در زمان پیش أُوتُوا الْكِتَابَ عطا کرده اند ایشان را توریة و گویند توریت و انجیل یعنی نصاری
نیز درین میثاق داخل اند و مضمون عهد آنست که لَتُبَيِّنُنَّهُ لام در جواب قسم آمده یعنی بخدای بر شما که بیان کنید کتاب را که در شان
محمد است صلی الله علیه بمنبر عاید مصطفوی غیر مذکور باشد که آن خاتم انبیاست یعنی روشن گردانید حال پیغمبر آخر الزمان لِلنَّاسِ برای
مردمان چنانچه در توریت و انجیل خوانده اید وَلَا تَكْتُمُونَهُ و مپوشید آنرا بجهت تحریف و تاویلات خطا و اگر بغیبت خوانند بمعنی این باشد
که میثاق گرفتند بر اهل کتاب که بیان کنند و نپوشند قتاده گوید کتاب اسم جنس است و مراد از اهل کتاب جمیع علماست هر که اعلمت
علم پوشانیده اند باید که مستفید گرا تعلیم دهد و نپوشد قتاده پیوسته در وقت خواندن این آیه میگفت که ایاکم و الکتمان فانه هلکة
ای دوستان بپرهیزید از پوشیدن علم که کتمان آن موجب هلاکتست بیت مپوش دانش از مستحق برسان : که هیچ نکی کتمان علم
بتر نیست : در معالم از امیر المؤمنین علی نقل میکند که خدای اخذ میثاق نکرد از جاهلان که بیاموزند تا وقتیکه عهد فرا گرفته بود از علما که بیاموزند
و در تفسیر کبیر گفته که اگرچه ظاهر آیه مقتضی آنست که مخصوص به یهود باشد اما دور نیست که مسلمانان نیز که اهل قرآنند و قرآن اشرف کتب است
در اینجا داخل باشند پس ایشان نیز کتمان علم روا نبود بیت نشر کن علم و بهره برسان : دانش خود ز کس دریغ مدار : علم مانند چشمه ایست
بدان : که برو برداشتن شود بسیار : ور از آن چشمه برنداری آب : آب خشک گردد آخر کار : و بر هر تقدیر اهل کتاب بدان عهد
کار نکردند فَنَبَذُوهُ پس بیفگندند کتاب را یا پیمان را وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ در پس پشت خود این کلمه مثلست در ترک اعتداد و عدم التفات
یعنی حکم کتاب را فرو گذاشته و پاس عهد و میثاق نداشته وَاشْتَرَوْا بِهِ و خریدند یعنی بر گزیدند بدل آنچه اخذ میثاق بران بود
ثَمَنًا قَلِيلًا و اندک متاعی را از دنیا و آن ماکل و رشوتها بوده است که هر سال احبار یهود را سافله نصاری از عوام بعنوان پیشکش میدادند
مصطفی ... ایشان سید باشند فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ پس بد چیزیست که میخرند یعنی بدل میکنند حطام فانی را از نعیم جاودانی مرغوب باقی
میگذارند و معیوب فانی بدست می آرند و درین سودا اکثر زیان و جهان سودی نمی دارند فقد خسر ...
از ادنی کفار آنست که بر کار ناکرده از شما تحسین میطلبند و گمان میبرند که بمجرد این قول از عذاب ابدی رهایی خواهند یافت لَا تَحْسَبَنَّ
الَّذِينَ يَفْرَحُونَ و مپندار ای محمد آنان را که شادی میباشند بِمَا أَتَوْا بآنچه کرده اند از پوشیدن نعت تو و اگر بغیبت خوانند خطاب

Copyright © King Saud University